

COMIC CITY

قسمت ۱۸

# ددپول

MARVEL

DUGGAN  
HAWTHORN  
LEVEL  
PALLOT  
BELLAIRE  
ROSENBERG

آخرین نفر  
تو صف  
منم.

# II

# جنگ داخلی



# جنگ داخلی II

## ددپول

وای پسر، دنیای ابر قهرمانا کلا به دو دسته تقسیم شده!

یه طرف تونی و بچه هان که فکر میکنن ددپول یه رئیس افتضاح واسه کارمندااش (مزدور های آماده ی پول) بوده و فکر میکنن که اونا کاملاً حق دارن که ددپول رو واسه اینکه پولشون رو نداده بزارن و برن. همچنین باور دارن که ددپول یه شوهر خیلی بد واسه همسرش شیکلاه، ملکه ی شیاطین بوده و دیگه مثل قبل براش وقت نمیزاره.

تو اون یکی طرف هم گرو و برو برچه هان که فکر میکنن که ددپول هر کاری هم که کرده باشه، شیکلاه حق اینو نداشته که با گرگینه ی شب بچرخه، و وید کاملاً حق داره که وقتی فهمید کله ی مرد-گرگی رو بیوکونه. و درضمن، میگن که دلیل اینکه وید به شیکلاه کم محلی کرده و پول مزدورا رو نداده این بوده که پول و زمانش و صرف تیم اونجرز میکرده. میدونین دیگه، تیمی که توش با کاپیتان آمریکا و روگ باهمن، تیمی که همین تازگیا جلوی یولترون رو گرفت و اتاق فرماندهیشون و یه جورایی نبود کرد؟ خوب دیگه، پس کاملاً حق داره.

و کلا قضیه ی جنگ داخلی ۲ همینه.

WRITER  
GERRY DUGGAN

PENCILERS  
MIKE HAWTHORNE & BRIAN LEVEL

INKER  
TERRY PALLOT

COLORISTS  
JORDIE BELLAIRE & RACHELLE ROSENBERG

LETTERER  
VC'S  
JOE SABINO

COVER ARTISTS  
RAFAEL ALBUQUERQUE &  
DAVE MCCAIG

ASSISTANT EDITOR  
HEATHER ANTOS

EDITOR  
JORDAN D. WHITE

EDITOR IN CHIEF  
AXEL ALONSO

PUBLISHER  
DAN BUCKLEY

CHIEF CREATIVE OFFICER  
JOE QUESADA

EXECUTIVE PRODUCER  
ALAN FINE

مترجم و ویراستار: احمد کلاتیانی

کمیک سیتی با افتخار تقدیم میکند

COMIC CITY



شوهرم.



قصه داره به منم  
شلیک کنی؟



احتمالا نه. حتی  
واسه منم دیگه این  
زیادی تاریکه!

ما قبلا سر اینا  
بحث کردیم وید.  
خودت میدونی ما حق  
یه سری ... مهمونی رو  
داریم.

آره، ولی به نظر  
میرسه که تو داری بیشتر  
از حدت مهمون دعوت  
میکنی.



اینطور  
نیست.

وای شیطان.  
وای نه.



آآآآآآ

خوب، اونو  
چطوری توضیح  
میدی؟

خیلی خوب بابا.  
مهمونای زیادی  
به مهمونی من میان.  
مرد.



زن.

اون شیطان  
از منطقه پایین.

دیگه اون یارو ...  
چی بود همون پشمالونه  
از دنیای عجیب غربیا،  
اونم بود.



باشه، باشه،  
فهمیدم!

خودت میدونستی  
داری با کی ازدواج  
میکنی.



تو هم میدونستی.  
بهت گفته بودم که یه بار  
با یه گاو جنگیدم، دو روز هم  
بعد آشناییمون با موداک  
جنگیدیم.

من میجنگم و  
میجنگم و گند میزنم  
به همه چی!

کلا فقط همینو  
بلدم!



خوب حالا  
قراره بریم سر  
کارمون یا نه؟؟



اوه،  
البته.



یاااااااااااا!

گوش کن ببین دارن چه کیفی میکنن اون تو.

«پوفف»

کیو دارم گول میزم؟ اصلا کسی حتی به پروفایل من نگاه هم میکنه؟



SHKCRACK!!

این نوع رابطه اصلا خوب نیست! اووووف!



اجازه هست؟

نیزه ی خودتونه.



و اونم شوهر خودمه.

هی ... به ثانیه صبر کن!



گگگگگ!



به من ربطی نداره که میخوای خوشی خودت رو خراب کنی، ولی با خوشی من کاری نداشته باش.



«بریدن نفس»

بابا چرا انقدر بزرگش میکنی؟ فقط به گونی بکش رو سر گرگه و ...

یاااااااااااا!



اووخ!  
میدونی، همه زوجین  
یه روزی همچین  
مشکلاتی رو میگذرونن.



قراره تبدیل به شکل  
هیولایت بشی و منو بگیر  
دیگه، مگه نه؟  
**مگه نه!؟**

الو؟



شاید بهتر باشه  
پیش یه مشاور بریم.  
میدونی، احمق کش داره  
لیسانسش و یا هرچی که  
میخواد و میگیره.  
تو فکر میکنی که  
من باید از یه دکتر که  
اسمش "احمق کش"ه  
مشورت بگیرم؟

گفتم شاید بدت  
نیاد یه شنونده ی خوب  
داشته باشی.



**اووفا!**

نه یکی مثل  
اون مرد گرگی!  
آخرین باری که  
گوشای درازش رو دیدم  
یکیش چسبیده بود به سقف  
یکیش روی زمین.





فقط میخوام که بدونی: من همیشه باهات رو راست بودم.

هاه!

خودت این مزخرفاتی که از دهن در میاد رو باور میکنی؟



یه دروغ که گفته باشم رو نام ببر!



وقتی که بار اول همو دیدیم، خودت رو به عنوان فرمانروای زمین معرفی کردی!

آآآخ!

منظورم از نظر فرهنگی بود!!



خوبه که میتونم هنوز هم بهت حال بدم... اووخ!

ها! دلم واسه تنگ شده بود!

اوفیش!

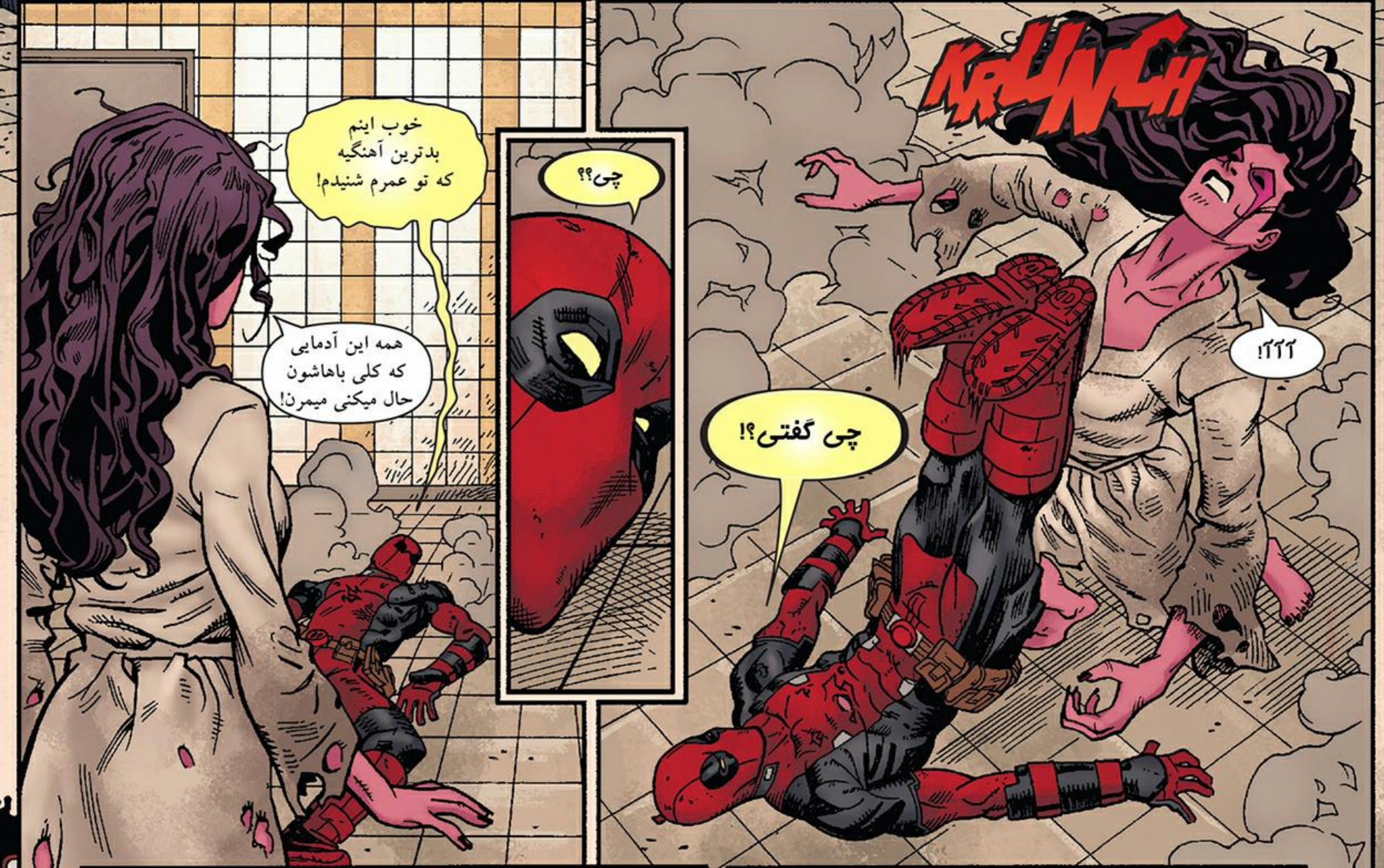




دلمو شکوندی  
برو حالشو بیر ...

اووووووخیش!

پسر خیلی  
بدجور افتضاح  
میرقصی!



خوب اینم  
بدترین آهنگیه  
که تو عمرم شنیدم!

همه این آدمایی  
که کلی باهاشون  
حال میکنی میمرن!



چی؟؟

چی گفتی؟!

!!!

KRUNCH



فکر کردی  
دارم تهدیدشون  
میکنم؟

شاید  
داشتم میکردم.



KLANG

HULK!  
THE MUSICAL  
Cathedral Parkway  
110 Street Station  
1 Uptown & The Bronx  
Enter with or buy MetroCard at all times or see agent across Broadway

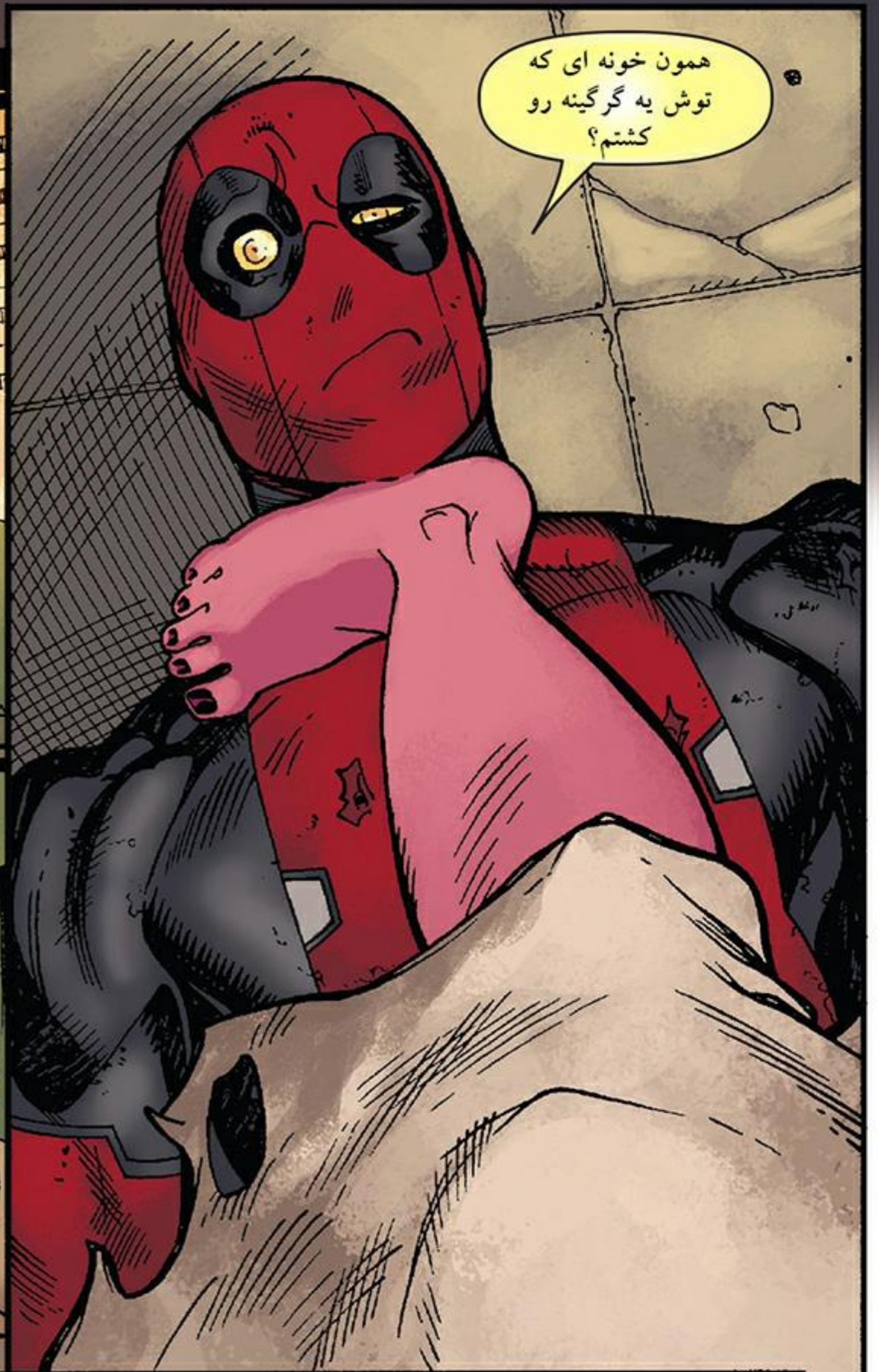
WHACKK

میشه حالا دیگه  
تموش کنیم؟ میخوای برم  
یه سگ بگیرم بزارم رو  
تختم بیای بزنیش؟



خیلی خوب، این بیشترین تفریحی بود که تو این مدت داشتیم.

چرا نمیای برگردیم تو خونه؟



همون خونه ای که توش به گرگینه رو کشتم؟



چیزیش نمیشه. کله اش بازسازی میشه. یه مدت کله نوزاد میگیره به خودش.

بیا برگردیم پایین، میتونه رماتیک باشه.



نه، مرسی جام خوبه.



خیلی خوب، چیزی بین ما تموم نشده شوهر، هیچوقت نمیشه.

ها ها، آره.



یعنی بازم نمیخواد رابطمون تموم شه؟

یعنی چی؟؟



میدونم چی داره اذیتم میکنه.



بین دو تا تیغه ی قیچی گیر کردم، از یه طرف میخوام الی و پرستون رو ول کنم که جاشون امن باشه، ولی از یه طرف میخوام به قدری نزدیک باشم که اگه به مشکلی خوردن بتونم برم کمک.

هرچی بیشتر بدونه نقشه واسه کشتن کلاه دیوونه بمونم، پایان داستان هم بدتر میشه.

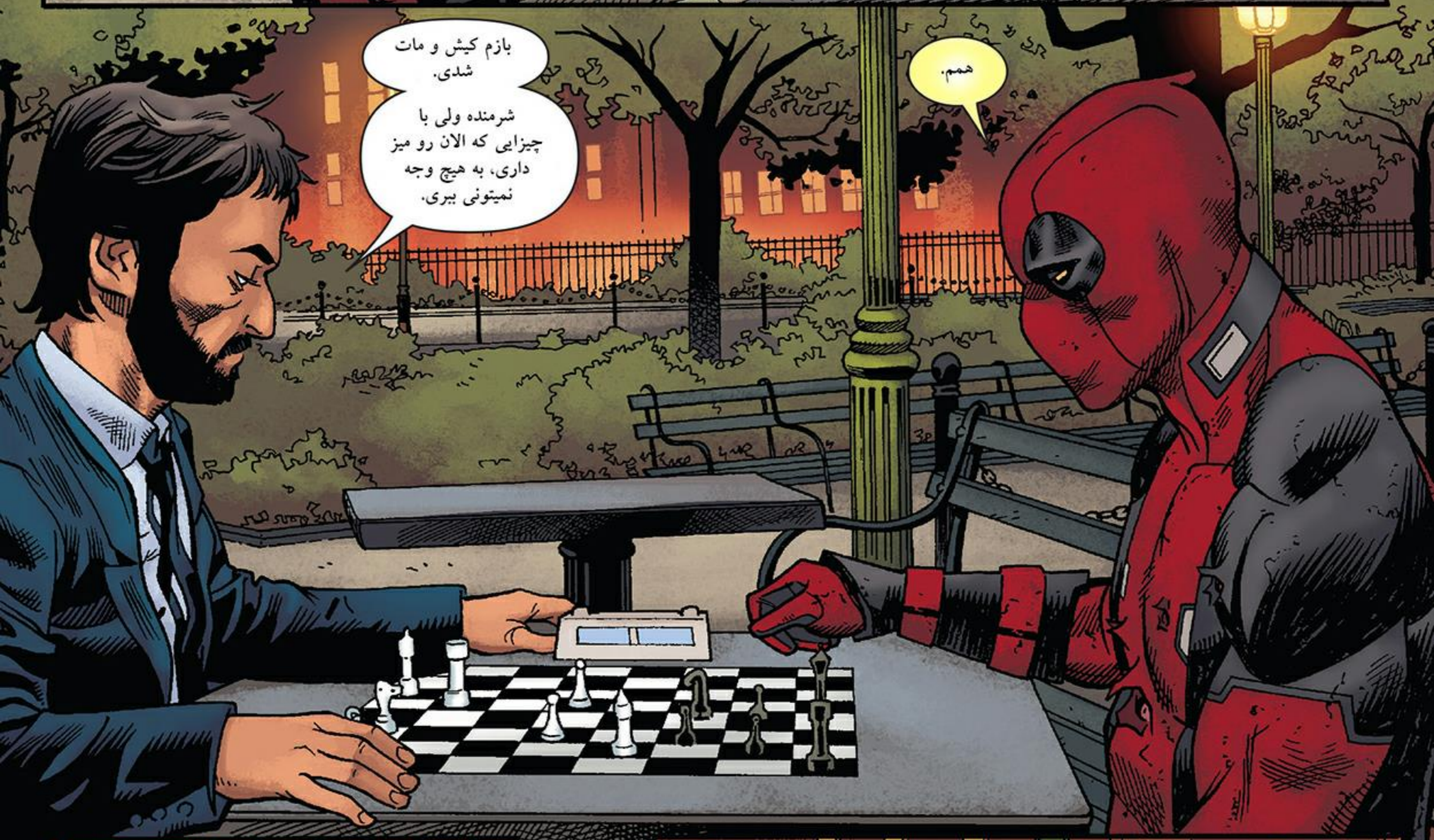
نمیتونم درست فکر کنم، امشب و میرم استراحت کنم.



شهر نیو یورک خیلی  
خوبه. همیشه میتونی یکی  
رو پیدا کنی که باهات  
باشه.

کی حاضره واسه  
یه نوشیدنی تظاهر کنه  
که دوست منه؟

چرا که نه داداش!  
تو پولش رو بده، دروغش  
با من!



بازم کیش و مات  
شدی.  
شرمنده ولی با  
چیزایی که الان رو میز  
داری، به هیچ وجه  
نمیتونی ببری.

همم.



اوضاع دیگه زیادی خوب  
بوده، وقتشه یه کم به سبک  
قدیمی ددپولس مهمونی بگیرم.

همم.



تئاتری که واسه تیم اونجرز خریده بودم توسط یولترون له شده. باید کلی خرجش کنم که بتونم باز با کلی ضرر بفروشمش.



هیچی بدتر از این نیست که نتونی از فکر مشکلاتت در بیای.

اگه نتونم از تهدید کلاه دیوونه برم بیرون، حتی از اینم دیوونه تر میشم و مردم بیشتری میمیرن.

یه لباس تقریبا تمیز میزارم زیر یه سری از این خرابه ها ...



... و سلاحام رو میبرم تو اتاق قدیمی استیو راجرز. معلومه که اونجا به زور یه خراش برداشته.

من نمیخواستم که عضو اونجرز باشم. این تقصیره استیو راجرز بود.

حالا هم که دوباره جوون و قویه دیگه نیازی به من نداره، پس قراره برم بیرون ...



سلام وید. امیدوارم مزاحم نیاشم.

سلام  
روگ.

فقط دارم یه  
سری وسایل بر  
میدارم.

تو حالت عادی بهت  
یاد آوری میکردم که این  
ساختن داغونه، ولی خوب، تو  
که برات مهم نیست، حتی  
اگه ساختمان بیاد پایینم  
میتونی راحت بری بیرون.

اگه به اندازه ی  
من تو اکس-من و اونجرز  
بوده باشی دیگه برات عادیه که  
بری تو خرابه ها و دنبال  
وسایلت بگردی.

به اون  
تکیه نده ...

چی؟  
فیگور خفنی که گرفتم  
اذیتت میک...

...شکسته.

حتی خودمم  
نمیدونم چقدر زورم  
زیاده.

خوب جمعش  
کردی.

با وسایلت  
کمک نمیخوای؟

نه.

حداقلش تو  
یه چیزایی داری که واست مهم  
باشن. من فقط یه متکا دارم که  
با اسلحه پر شده.





زیر قدماتو  
پیا.

دارم پرواز  
میکنم.

آها آره.

به هر حال فکر کنم  
منو شیکلاسه جفتمون داریم  
به این نتیجه میرسیم که  
من همسر سابق خوبی میشم.

چی شد که  
اینطوری شد؟



با یه مرد-گرگی  
سرگرم بودن.



روزنامه لوله شده  
دم دستت داشتی که  
تو صورتش له کنی؟

اوه آره.  
صورتش حسابی له  
شده.



الان به این نتیجه  
رسیدم که تو میتونی یه مشکلی که  
خیلی اذیتم میکنه رو حل کنی.  
چند دقیقه وقت داری؟

البته.



میشه موتورم و  
از جایی که یولترون  
گذاشته در بیاری؟

خودم میتونم  
بلندش کنم، ولی  
هنوز گرم نکردم.

انتظار یه  
کار سختتر  
داشتم.

این اون کاری  
نیست که بخاطرش نیاز  
دارم.





مطمئنم که قراره به توضیح کامل برای اینکه چرا داریم با به اسنایپر چندتا بچه رو دید میزنیم بهم بدی.

تیر توش نیست. فقط خواستم بتونی باهش ببینشون. با الینور آشنا شو.

بچه خوشگلیم.

دخترمه.



وید ویلسون. هرروز از دیروز بیشتر آدمو سورپرایز میکنی.



من الی رو با به مامور شیلد قایم کردم.

هم خوشحاله هم جاش امنه. حداقل فعلا که هست.

میخواستم که زندگی خودش رو داشته باشه، دور از من.



مرسی که بهم نشونش دادی. خیلی خوشگله.

میشه بیرسم که ...

حالا بعدا راجع به مامانش هم بهت میگم.

باشه.



"آره، اینطوری که میگن خیلی ترسناک به نظر نمیداد ..."



"ولی اون اون بیرونه و داره خودش و جمع و جور میکنه."

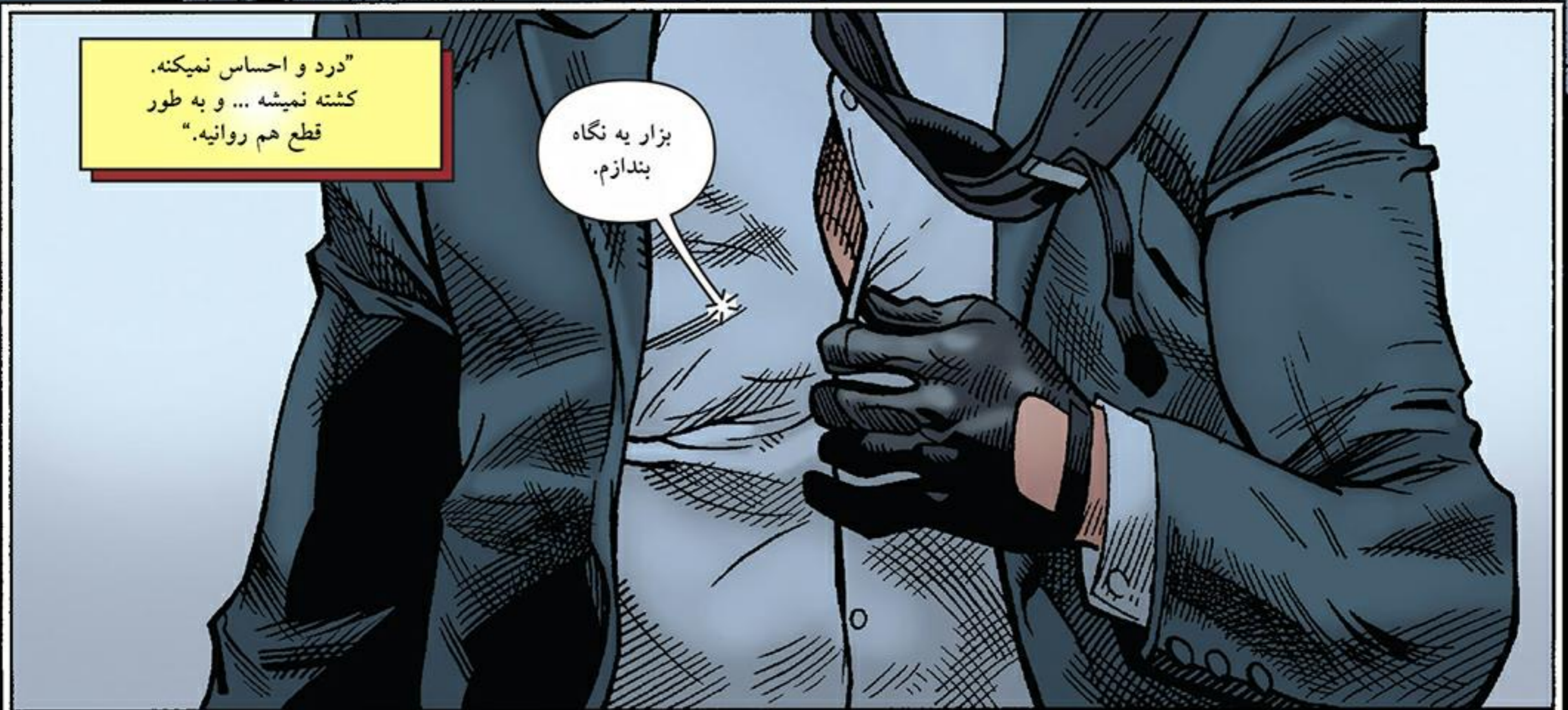


"از من متفوره، و شاید، شاید دلیل خوبی هم داشته باشه."



"درد و احساس نمیکنه، کشته نمیشه ... و به طور قطع هم روانیه."

بزار به نگاه بندازم.





ایول! خودشه، برش دار و بزنی بریم.

گفته بودی به کسی آسیبی نمیرسه، ولی ...



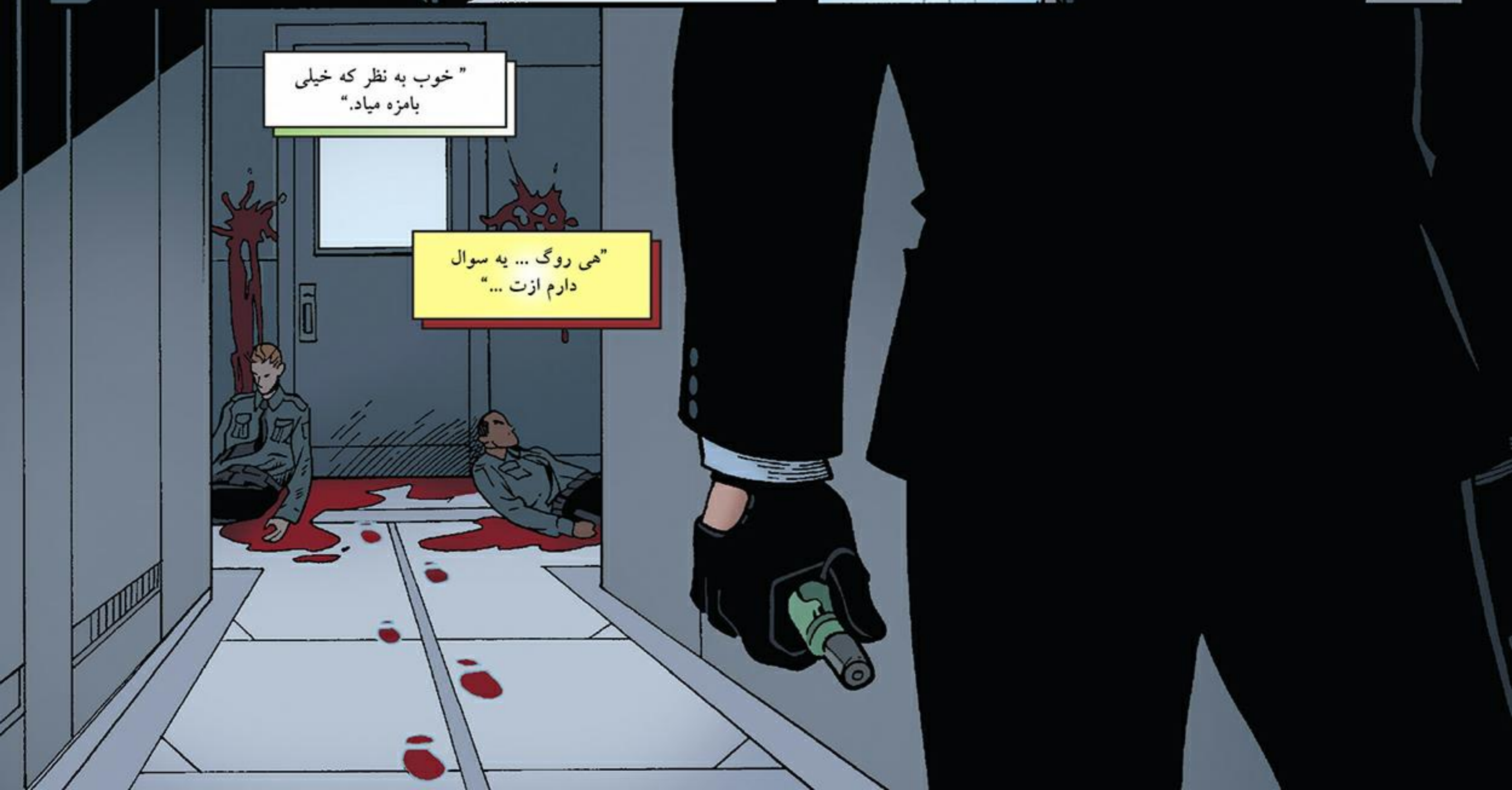
آره! و راستم گفتم! یه عده آدم به درد نخور اونجا تو درد خوابیدن.

حالا منو بیوشون ...



لطفا نه.

... وگرنه پاهامو دور قلبت حلقه میکنم و یه بار دیگه بوق رگات رو میکنم!



"خوب به نظر که خیلی بامزه میاد."

"هی روگ ... یه سوال دارم ازت ..."



درسته که من  
کمترین مدت زمان  
اونجر بودن رو  
داشتم؟

ما هنوز تا موقعی که  
جمعمه سرخ مغز چارلی رو  
داشته باشه جز اونجرزیم. درضمن،  
کاملا مطمئنم که تو بیشتر از  
دکتر دروید دووم آوردی.



صبر کن بینم ... این  
همون یارو نبود که با درختا  
صحبت میکرد؟ و وسط یه  
ماموریت هم مرد؟

یادم نیست. دارم  
سعی میکنم یه کم حالت  
رو بهتر کنم.



اینو واسه آینده  
میگم، مقایسه کردن من با  
دکتر دروید حالم رو بهتر  
نمیکنه!

هرموقع اعصاب  
سر جاش بود بهم  
زنگ بز.



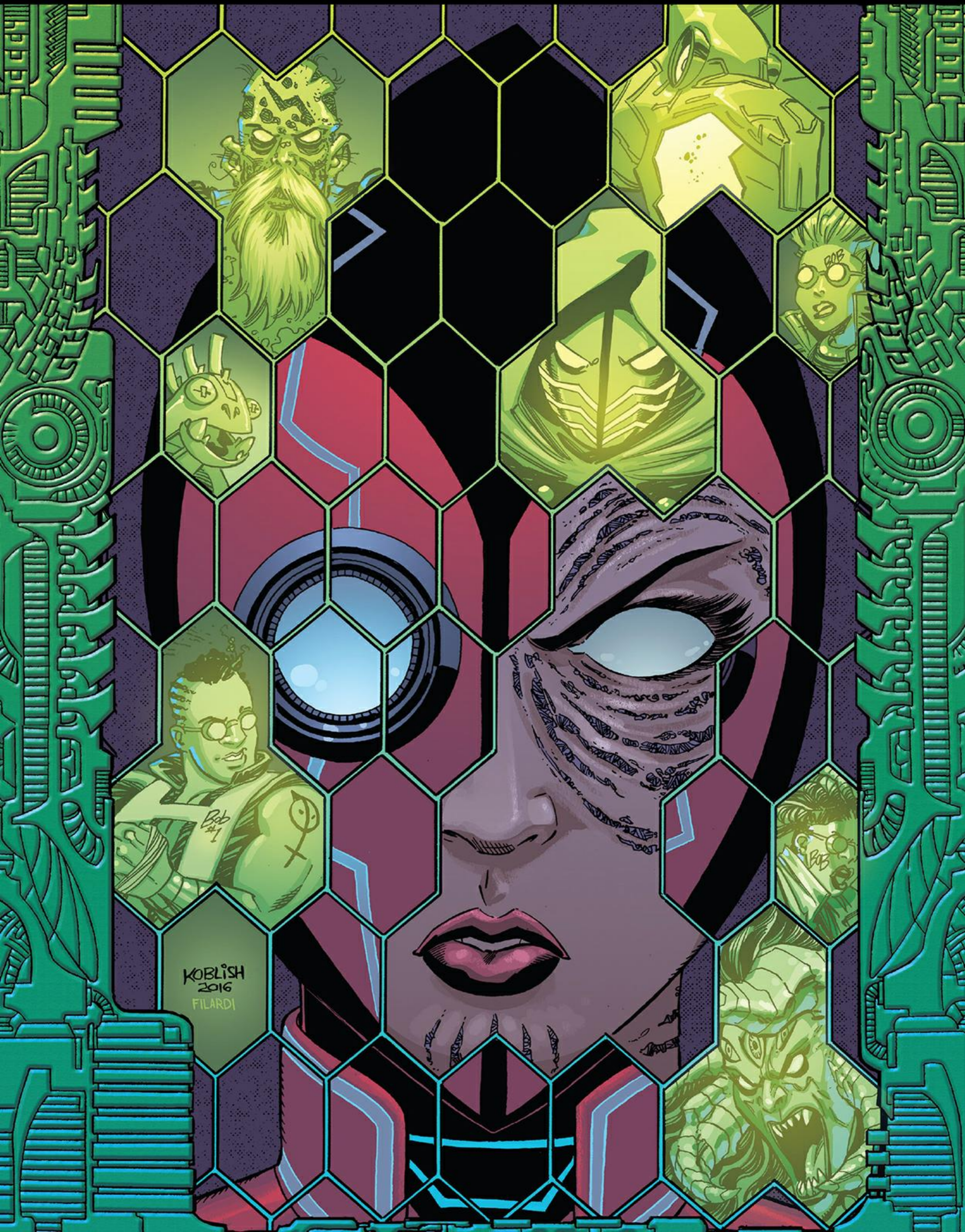
هرچقدر که  
دلم بخواد اعصابم  
خورد میمونه.

فردا میبینمت. تا  
اون موقع یه خونه ی جدید  
واسه آقای الان که قبلا  
به عنوان تیم استیو راجرز  
شناخته میشدن پیدا  
کردم ...

.. ولی فعلا  
واسه امشب میخوام  
از این آشغالی که شده  
زندگیم لذت ببرم.



# ددپول



KOBLISH  
2016  
FILARDI

ترجمه شده در:

# کمیک سینتی

مرجع دانشمند کمیک ترجمه شده



وبسایت ما: [www.comic-city.ir](http://www.comic-city.ir)

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR

**COMIC CITY**